

بررسی نظام پذیرش دانشجو در ایران و ارائه الگوی

مناسب

دکتر رحمت‌الله قلی‌پور*

دکتر محمدرضا شجاعی**

مرتضی شکوهی***

در برخی کشورهای دنیا به دلیل حجم بالای تقاضای اجتماعی آموزش عالی، فرایند پذیرش دانشجو از چالش‌های مهم نظام آموزشی است. در ایران نیز به دلیل میزان بالای تقاضای آموزش عالی و عرضه محدود آن، آزمون سراسری دانشگاه‌ها به مهم‌ترین رخداد و چالش آموزشی تبدیل شده است. در این مقاله ضمن مروری بر تاریخچه نظام پذیرش دانشجو در ایران و بررسی تطبیقی نظام پذیرش دانشجو در سایر کشورهای دنیا، به آسیب‌شناسی نظام موجود پرداخته و در پایان الگویی برای اصلاح وضعیت موجود ارائه خواهد شد. مبنای اصلی این الگو، تفکیک پذیرش از سنجش و توجه به آموزش متوسطه در سنجش داوطلب و استقلال دانشگاه‌ها در پذیرش دانشجو است.

کلیدواژه‌ها: نظام پذیرش دانشجو، کنکور، تقاضای آموزش عالی، آسیب‌های کنکور، کمیته سنجش، کمیته پذیرش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* استادیار دانشگاه تهران.

E-mail: rgholipor@ut.ac.ir

** استادیار دانشگاه شهید بهشتی.

E-mail: MRSHODJAIE_PHD@yahoo.com

*** کارشناس دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

E-mail: shokouhi2005@yahoo.com

مقدمه

امروز نظام آموزش عالی در دنیا، به‌ویژه پس از مطرح شدن نقش و جایگاه سرمایه انسانی در پیشبرد اهداف توسعه و رشد اقتصادی، به مهم‌ترین مسائل کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه تبدیل شده است. نقش و جایگاه این نظام و تأثیر آن بر توسعه جامعه بر کسی پوشیده نیست. ایفای این نقش در گرو فرایندهای مختلفی است که از جمله آن، فرایندهای آموزش، پژوهش و پذیرش دانشجو به‌عنوان مشتریان اصلی نظام آموزش عالی است. از این‌رو چگونگی پذیرش دانشجو و فرایند گزینش و سنجش آن‌ها از مباحث اصلی نظام‌های آموزشی دنیاست.

در کشور ما به‌دلیل میزان بالای تقاضای آموزش عالی (داوطلبان) و عرضه محدود آن (ظرفیت محدود دانشگاه‌ها)، آزمون سراسری دانشگاه‌ها به مهم‌ترین رخدادهای آموزشی (بلکه چالش آموزشی) کشور تبدیل شده است؛ رخدادی که در آن حجم وسیعی از نیروهای انسانی درگیر هستند و روح و روان بسیاری از افراد جامعه، هزینه و منابع بسیاری را به‌خود اختصاص داده و آسیب‌های مختلف اجتماعی - فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و فنی - روشی را موجب شده و از چالش‌های اصلی کشور مطرح شده است.

این فرایند پیامدهای ناخوشایندی را به‌وجود آورده که از آن جمله می‌توان به پیامدهای منفی نظام پذیرش دانشجو بر نظام آموزش عمومی و به‌صورت ویژه به نظام آموزش عالی اشاره کرد و نارضایتی‌هایی را برای متقاضیان آموزش عالی و خانواده‌های آنان به‌دنبال داشته است. براساس نظرسنجی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایرانی، ۷۲ درصد از داوطلبان از نظام فعلی پذیرش دانشجو ناراضی هستند و معتقدند کنکور نمی‌تواند ملاک مناسبی برای سنجش معلومات استعدادها و دانش‌آموزان باشد، همچنین ۶۲ درصد داوطلبان با تداوم نظام فعلی کنکور مخالف هستند و ۵۶ درصد اعتقاد دارند که راه بهتری برای این مهم می‌توان برگزید.^۱

آسیب‌ها، مشکلات و نارضایتی‌های یاد شده در نظام پذیرش دانشجو، سبب شکل‌گیری و انجام مطالعات و پژوهش‌های بسیاری به‌منظور حل مشکلات و ارائه راه‌حل‌ها یا الگوهای مناسب، در طول سال‌های گذشته شده است. نتیجه این مطالعات ضمن توصیف و ترسیم

۱. «گزارش طرح پیشنهادی نظام پذیرش دانشجو»، دفتر مطالعات فرهنگی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۲.

وضعیت نامطلوب نظام پذیرش فعلی و اشاره به پیامدهای منفی و تا حدودی مخرب این نظام، تغییر وضعیت موجود را ضرورتی حتمی دانسته و هر یک راه‌حل‌ها و الگوهایی برای دستیابی به نظام مناسب پذیرش دانشجو ارائه داده‌اند. همه طرح‌ها و الگوهای پیشنهادی بر محورهای ذیل تأکید داشته‌اند:

۱. سنجش از پذیرش جدا باشد.
۲. سوابق تحصیلی دانش‌آموزان، ملاکی برای پذیرش داوطلبان به دانشگاه‌ها باشد.
۳. دانشگاه‌ها باید در پذیرش داوطلبان نقش ایفا نمایند.
۴. تدابیری برای کاهش تقاضای آموزش عالی از طریق توسعه مؤسسات آموزش عالی کاربردی اتخاذ شود.

به بیان دیگر شیوه فعلی پذیرش دانشجو علاوه بر صدماتی که بر:

- برنامه‌ریزی درسی متوسطه،
- نظام آموزش متوسطه،
- انتظارات و نیازهای دانشگاه‌ها (نظام آموزش عالی)،
- خلاقیت و نوآوری دانش‌آموختگان دوره متوسطه،
- اعصاب و روان شرکت‌کنندگان و خانواده‌های آنان وارد کرده و می‌کند، موجب شکل‌گیری سازمان‌ها، بنگاه‌های مختلف با شکل‌های متفاوت با عنوان کلاس‌های کنکور شده است که همگی در سودجویی از وضعیت نابسامان فعلی مشترک بوده و در ایجاد صدمات مورد بحث نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. به‌علاوه این شیوه موجب شکل‌گیری:
- نظام یادگیری بر مبنای حافظه به‌جای خلاقیت و نوآوری،
- ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی چه در زمان حال و چه آینده،

- نارضایتی در میان جوانان کشور و در نتیجه روحیه یأس و دل‌سردی در آنان و نیز خانواده‌های ایشان در آینده و تبعات سنگین ناشی از آن، شده است.

این مقاله به‌دنبال بررسی موارد فوق و تبعات آن و ارائه راهکار و الگویی برای حل مسائل مورد بحث است. به‌عبارت دیگر این مقاله با طرح چند پرسش به بررسی موضوع می‌پردازد:

۱. چالش‌های نظام پذیرش دانشجو در ایران چیست؟
۲. تبعات نظام پذیرش از ابعاد مختلف روانی، اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و ... کدام است؟

۳. سازوکارهای رفع چالش‌های فوق کدام است؟
۴. سازوکارهای بهبود نظام پذیرش دانشجو، کدام است؟
۵. الگوی مناسب پذیرش دانشجو، کدام است؟

اهداف

هدف از موضوع مورد بررسی، ابتدا شناخت و کسب دانش در زمینه مسائل و مباحث انجام شده درباره آن، آسیب‌شناسی کنکور به‌شیوه کنونی، سپس ارائه راهکار و ساختار مناسب جدید به‌منظور رفع مشکلات و نارسایی‌های فعلی است. به‌صورتی که با الگویی مناسب، انتخاب افراد برگزیده و شایسته در دانشگاه‌ها صورت گرفته، استعدادها و توانایی‌های افراد تشخیص داده شده و افراد فقط با هدف صرف ورود به دانشگاه (در هر رشته تحصیلی) وارد دانشگاه نشوند. از دیگر هدف‌های مورد نظر، توجه دادن به نقش و جایگاه واقعی و تعیین‌کننده نظام آموزش متوسطه کشور از یک‌طرف و نیز نظام آموزش عالی از طرف دیگر خواهد بود. همچنین جلوگیری از سوءاستفاده و سودجویی مؤسساتی که به‌دلیل روش فعلی به‌صورت فزاینده ایجاد شده است. این مقاله تلاش می‌کند با ارائه الگویی مناسب، از رشد خزنه بنگاه‌های فوق جلوگیری کند. سایر اهداف نیز عبارتند از:

- ایجاد نظام عادلانه‌تر در سنجش ورودی‌ها،
- کاهش نقش حافظه به‌جای خلاقیت، نوآوری، استعداد و ... در روش کنونی،
- کاهش آثار روحی و روانی روش فعلی بر جوانان و خانواده‌های آنان،
- کاهش تبعات منفی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی روش کنونی است.

ضرورت گزینش دانشجو

ضرورت انتخاب عده‌ای محدود از میان داوطلبان ورود به آموزش عالی پدیده‌ای است که شروع آن به چند دهه قبل بازمی‌گردد. در این باره، دلایل و توجیحات گوناگونی وجود دارد از جمله:

۱. تقویت نظریه نخبه‌گرایی پس از بروز جنگ جهانی دوم به‌دلیل عدم تعادل میان تعداد داوطلبان و ظرفیت طبیعی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در نتیجه افزایش تقاضای اجتماعی و بروز پدیده‌ای به‌نام انفجار دانش،
۲. کمبود نیروی انسانی (استاد)، فضا و آزمایشگاه،

۳. پایین آمدن سطح توانایی و دانش در میان دریافت کنندگان مدرک پایان آموزش متوسطه تقریباً در همه کشورهای جهان،
۴. تحت فشار قرار گرفتن مؤسسات آموزش عالی به دلیل افزایش داوطلبان ورود به آموزش عالی در اثر رشد جمعیت،
۵. ارتقای کلی سطح آرزوها و خواست‌های والدین و جوانان در جامعه‌های تحول یافته پس از جنگ،
۶. در مواردی، پاسخگویی تحقیق به نیازهای نیروی انسانی بخش‌های اقتصادی کشورهایی با نظام برنامه‌ریزی متمرکز و از پیش تعیین شده است.^۱
- به این ترتیب، چه در کشورهایی که سیاست محدودیت تعداد قبول شدگان در آموزش عالی را دنبال می‌کنند و چه آن‌هایی که ورود به آموزش عالی را برای همه داوطلبان به‌عنوان یک حق در نظر می‌گیرند، گزینش دانشجو بر مبنای انگیزه‌های گوناگونی شکل یافته و براساس دانشگاه یا سیاست‌های کلی هر کشور متفاوت است. اما در همه موارد، سعی بر این است که به انتخاب فرد اصلح منجر شود و به دانشگاه‌ها و مدارس عالی این امکان داده شود که از میان داوطلبان متعدد بهترین آنان را انتخاب کنند.

شیوه گزینش دانشجو برای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی در ایران

الف. گزینش دانشجو قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

عدم تناسب میان ظرفیت و تقاضا برای ورود، در مورد بعضی از رشته‌ها که در جامعه موقعیت اجتماعی بهتری دارند، برای نخستین بار منجر به برگزاری مسابقه ورودی در تعدادی از دانشکده‌های دانشگاه تهران شد. در سال ۱۳۴۱، نظارت بر آموزش عالی و هماهنگی امور دانشگاه‌ها بر عهده شورای مرکزی دانشگاه‌ها واگذار شد. در آغاز سال ۱۳۴۲ اجرای مسابقه ورودی بر عهده هیأت دوگانه نظارت و اجرائیه مسابقات ورودی دانشگاه‌ها قرار گرفت و نخستین مسابقه ورودی سراسری دانشگاه‌ها در سال ۱۳۴۲ برگزار شد.

I. نسرین نورشاهی، «تحولات نظام گزینش دانشجو برای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی ایران با تأکید بر تحولات میان سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۷۶»، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، سال ۱۳۷۷، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، صص. ۵۱-۵۲.

در سال ۱۳۴۳ از مسابقه همگانی انتقاد شد و دانشگاه‌ها بار دیگر به صورت مستقل به پذیرش دانشجو اقدام کردند. پس از تأسیس وزارت علوم و آموزش عالی، این وزارت در بهمن‌ماه ۱۳۴۷ به تأسیس مرکز آزمون‌شناسی، با هدف احتراز از اتلاف وقت داوطلبان و نیز یکسان و عینی‌سازی امتحانات، اقدام کرده و بار دیگر، مسابقات ورودی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به صورت سراسری و متمرکز برگزار شد.^۱

در نخستین امتحان ورودی سراسری به شیوه نوین، ۱۲ دانشگاه شرکت داشتند و داوطلبان می‌توانستند از میان ۳۰ رشته تحصیلی در ۱۲ مرکز آموزشی، ۱۰ رشته را با توجه به نوع مدرک پایان متوسطه و شرایط پذیرش دانشگاه‌ها و نیز میزان علاقه خود انتخاب کنند.^۲

در سال ۱۳۵۴، با افزایش تعداد متقاضیان ورود به آموزش عالی، تشکیلات سازمان سنجش آموزش کشور با سه حوزه معاونت فنی - پژوهشی، اجرایی و نظارت بر امور دانشگاه‌ها به تصویب رسید و از آن‌جا که در هشتمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی، بر اصل جدا بودن امر آزمایش از گزینش تأکید شد. از این‌رو، طرح آزمایش همگانی و گزینش دانشجو براساس توصیه این کنفرانس تهیه و پس از تصویب در شورای مرکزی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به اجرا گذارده شد. براساس طرح مذکور، برای ورود داوطلب به نظام آموزش عالی کشور، به معیارهای زیر توجه شد.^۳

۱. معدل امتحانات نهایی ششم متوسطه (با ضریب ۵)،

۲. نتایج آزمایش همگانی (شامل آزمون استعداد تحصیلی، آزمون زبان فارسی و شناخت فرهنگ ملی ایران و آزمون زبان خارجی) (با ضریب ۲)،

۳. شرایط و ضوابط اختصاصی دانشگاه‌ها (مانند: نوع مدرک پایان متوسطه، سابقه آموزشی

در دوران متوسطه، سهمیه پذیرش منطقه‌ای، جنسیت، سن، وضع اشتغال و وظیفه عمومی).

در ضوابط گزینش دانشجو، در سال‌های تحصیلی ۱۳۵۵-۱۳۵۶ و ۱۳۵۶-۱۳۵۷، تغییر خاصی اعمال نشد. در سال ۱۳۵۷، با توجه به منطقه‌ای شدن امتحانات نهایی دوره متوسطه و - در نتیجه - قابل مقایسه نبودن معدل‌های امتحانات نهایی، شرط توجه به سوابق تحصیلی و معدل امتحانات نهایی در روش گزینش دانشجو حذف شد.

I. همان منبع.

1. «مراحل تحول گزینش دانشجو در ایران»، نشریه/اندیشه جامعه، شماره ۶، صفحات مختلف.

2. نسرین نورشاهی، «تحولات نظام گزینش دانشجو برای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی ایران با

تأکید بر تحولات میان سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۷۶»، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ص ۵۲.

ب. گزینش دانشجو پس از پیروزی انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب، نخستین آزمون سراسری در سال ۱۳۵۸ به دو روش متمرکز، نیمه‌متمرکز و بدون شرط سنی برگزار شد. در سال ۱۳۶۱ آزمون سراسری فقط برای رشته‌های پزشکی و فنی - مهندسی، کشاورزی، الهیات و معارف اسلامی برگزار شد. در همین سال بود که داوطلبان کنکور را به سه دسته تقسیم کردند و برای هر دسته سهمیه جداگانه‌ای اختصاص دادند، این سه دسته عبارت بودند از:

الف. داوطلبان وابسته به نهادهای انقلاب اسلامی،

ب. داوطلبان آزاد،

ج. داوطلبان منطقه‌ای.

سهمیه هر یک از گروه‌های مذکور حدوداً $\frac{1}{3}$ کل ظرفیت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی بود و مقرر شد داوطلبان سهمیه منطقه‌ای و سایر سهمیه‌های نهادها، در صورت لزوم و به تشخیص دانشگاه محل تحصیل، برای همسطح شدن با سایر دانشجویان، حداکثر به مدت یک سال در کلاس‌های تقویتی دانشگاهی شرکت کنند و در پایان هر نیم سال امتحان دهند. کسانی که ظرف مدت یک سال، آمادگی لازم را کسب نمی‌کردند می‌باید از دانشگاه اخراج می‌شدند که به ندرت چنین شد.^۱

در سال تحصیلی ۱۳۷۱-۱۳۷۲، امکان انتخاب برای داوطلبان، از ۱۵۰ رشته به حداکثر ۱۰۰ رشته کاهش یافت و گزینش دانشجو در بیش تر رشته‌ها به صورت بومی در استان یا ناحیه و قطب آموزشی انجام شد.

در مجموع، با توجه به تغییر و تحولات بسیار در روش گزینش دانشجو در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، چارچوب اصلی این روش شامل موارد زیر بوده است:

۱. پذیرش داوطلب براساس نمره کل حاصل از آزمون عمومی و اختصاصی و به ترتیب علایق اعلام شده برای دوره‌های روزانه، شبانه، دانشگاه پیام نور و مراکز تربیت معلم،
۲. مجاز بودن داوطلبان به انتخاب ۱۵۰ رشته محل تحصیل مختلف که بعداً به ۱۰۰ رشته تعدیل یافت،

I. «سازمان سنجش آموزش کشور، فعالیت‌ها و اقدامات سازمان سنجش کشور»، تهران، مرداد ۱۳۵۶، صفحات مختلف.

۳. گزینش دانشجویان بومی بر مبنای تقسیم‌بندی رشته‌های دانشگاهی به رشته‌های استانی، ناحیه‌ای، قطبی و کشوری،
۴. دخالت معدل کتبی سال چهارم دبیرستان با ضریب ۲ و تأثیر مثبت آن،
۵. اعمال سیاست سهمیه‌بندی و تقسیم بخش‌های مختلف کشور به مناطق ۱، ۲ و ۳،
۶. مجاز بودن داوطلبان به شرکت در هر یک از گروه‌های آموزشی، بدون توجه به نوع دیپلم متوسطه،

۷. برگزاری روش نیمه متمرکز گزینش برای رشته‌هایی که نیاز به اقداماتی اضافی، مانند: مصاحبه، معاینه، آزمون عملی یا احتمالاً افراد ذخیره دارد.^۱

البته از سال ۱۳۷۴، پذیرش دانشجو برای رشته‌های تحصیلی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی - غیردولتی نیز بر اساس نتایج آزمون سراسری و به‌روش غیرمتمرکز صورت گرفت. در سال ۱۳۷۵، با پیوستن فارغ‌التحصیلان نظام جدید آموزش متوسطه به خیل عظیم داوطلبان آزمون سراسری، آزمون مرحله دوم در هر یک از گروه‌های آزمایشی، فقط از دروس اختصاصی و در حدود اطلاعات علمی دوره چهارساله دیپلم برای داوطلبان نظام قدیم آموزش متوسطه و برای داوطلبان نظام جدید آموزش متوسطه در حدود اطلاعات علمی دوره سه‌ساله دبیرستان و دوره یک‌ساله پیش‌دانشگاهی تعیین شد. در سال ۱۳۷۶، آزمون سراسری برای داوطلبان نظام جدید در یک مرحله و برای داوطلبان نظام قدیم به همان شیوه سابق و در هر مرحله اجرا شد.^۲

اصول حاکم بر نظام گزینش دانشجو برای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی پس از انقلاب

الف. تمرکز

تمرکز، یعنی گزینش دانشجو به شیوه متمرکز صورت می‌پذیرد و توجه آن تاکنون کثرت داوطلبان و ظرفیت محدود مؤسسات آموزش عالی بوده است. چنان که بیان شد، نخستین

I. سازمان سنجش آموزش کشور، «فعالیت‌ها و اقدامات سازمان سنجش کشور»، تهران، مرداد ۱۳۵۶، صفحات مختلف.

1. نسرین نورشاهی، «تحولات نظام گزینش دانشجو برای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی ایران با تأکید بر تحولات بین سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۷۶»، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ص ۵۴.

آزمون سراسری در سال ۱۳۴۲ برای ۱۵۷۰۲ نفر داوطلب به اجرا درآمد، حال آن که در سال ۱۳۸۱، ۱,۴۵۸,۰۰۰ نفر داوطلب شرکت در آزمون بوده‌اند که خود گویای آن است تعداد داوطلبان تقریباً ۸۵ برابر شده است. اگر به مقایسه میزان افزایش تعداد داوطلبان قبل و بعد از انقلاب بپردازیم، ملاحظه می‌کنیم که متوسط رشد در سال‌های پیش از انقلاب بسیار بیش‌تر از سال‌های پس از پیروزی انقلاب بوده در حالی که نسبت پذیرفته شده به داوطلب در سال‌های پس از پیروزی انقلاب نسبت به سال‌های قبل کاهش قابل توجهی داشته و به این ترتیب، هیچ‌گاه افزایش ظرفیت‌ها با افزایش تعداد داوطلبان همخوانی و هماهنگی نداشته است، در صورتی که تعداد داوطلبان از آغاز تاکنون ۹۳ برابر و تعداد پذیرفته‌شدگان تنها ۱۰/۷ برابر شده است.^۱

ب. سهمیه‌بندی

عواملی مانند جنگ، خدمت در مناطق محروم، فعالیت در نهادهایی که به‌صورت طبیعی، داوطلب اشتغال محدودی دارد، از یکسو و توجه نظام ارزش جمهوری اسلامی ایران به این‌گونه فعالیت‌ها از سوی دیگر، موجب پیدایش طرح سهمیه‌بندی شده است. دلایل وجودی این طرح عبارتند از: عدم امکان رقابت علمی- با توجه به درگیری‌های فوق‌الذکر برای داوطلبان این سهمیه‌ها- با داوطلبان دیگر و لحاظ کردن امتیاز ویژه برای داوطلبانی که خدماتی ویژه به جامعه اسلامی خود ارائه کرده‌اند.^۲

ج. تفکیک بومی داوطلبان

از دیگر اصول حاکم بر گزینش دانشجو، اعمال شیوه گزینش بومی و تخصیص ۴۰ درصد از ظرفیت رشته‌های ناحیه‌ای، قطبی و کشوری دانشگاه‌های واقع در استان‌های محروم به داوطلبان بومی هر یک از استان‌های مذکور است. این اصل با توجه به محرومیت شدید بیش‌تر این استان‌ها و نیز نیاز شدید آن‌ها به نیروی متخصص در زمینه‌های مختلف برای این نیازها به‌وجود آمده و اعمال می‌گردد. از دیگر دلایل اعمال این سیاست، این فرض است

I. نسرین نورشاهی، «تحولات نظام گزینش دانشجو برای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی ایران با تأکید بر تحولات بین سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۷۶»، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ۱۳۷۷،

صص ۶۱-۶۲.

۱. همان منبع.

که داوطلب بومی شرایط جوی و اقلیمی زادگاه خود را بهتر تحمل می‌کند و قدرت سازگاری و اقامت آن‌ها در مناطق محروم بیش‌تر است، پس باید به بومی‌ها شانس بیش‌تری برای اخذ درجات تخصصی از مؤسسات آموزش عالی مناطق خود را داد. این افراد پس از اتمام تحصیل با احتمال بیش‌تری در مناطق خود باقی می‌مانند و در همان جا به خدمت می‌پردازند، در حالی که افراد غیربومی متخصص عموماً مایل به ارائه خدمات تخصصی در این مناطق نیستند و برای اقامت در این مناطق با مشکل مواجه می‌شوند. در کنار مطالب یاد شده، به دلیل یکسان نبودن امکانات همه خانواده‌ها برای بهره‌گیری از آموزش و عدم توزیع عادلانه امکانات آموزشی میان دانشگاه‌ها، امکان رقابت علمی داوطلبان مناطق مختلف با یکدیگر به‌ویژه داوطلبان مناطق محروم وجود ندارد، که همین امر در طرح پیشنهادی این گزارش مورد توجه قرار گرفته است.^۱

د. دو مرحله‌ای بودن

آزمون سراسری در دو مرحله جداگانه از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ برگزار شده است. اعمال شیوه دو مرحله‌ای بودن آزمون با هدف فراهم شدن امکان افزایش تعداد سؤالات در هر جلسه امتحان و نیز تهیه و ارائه سؤالات جامع‌تر و با کیفیت بیش‌تر صورت گرفته است تا به این ترتیب، با توجه به همگن شدن علمی جامعه داوطلبان شرکت‌کننده در مرحله دوم، دقت سنجش در انتخاب دانشجوی اصلح افزایش یابد؛ همچنین فرصت بیش‌تری برای داوطلبان و نیز دانش‌آموزان همان سال برای مطالعه دروس تخصصی سال قبل از دیپلم ایشان فراهم آید. صرفه‌جویی در مصرف کاغذ برای تهیه دفترچه راهنمای انتخاب رشته و دفترچه‌های سؤالات اختصاصی، تأمین امنیت بیش‌تر آزمون‌ها و کاهش امکان تخلف و تقلب و نیز فراهم‌شدن امکان جبران ضعف علمی (در مرحله اول) ناشی از علل و حوادث نامرتبیه در مرحله دوم، برای داوطلبان، از سایر اهداف اجرای این سیاست بوده است. چنان‌که گفته شد، در سال ۱۳۷۶ آزمون سراسری برای داوطلبان نظام جدید آموزش متوسطه در یک مرحله برگزار شد، در مقایسه‌ای که میان درصد پذیرفته‌شدگان داوطلبان نظام قدیم با نظام جدید صورت گرفت، مشاهده شد که این درصد در میان داوطلبان نظام جدید بیش‌تر است. به‌طور متوسط، ۹/۷ درصد از داوطلبان نظام قدیم پذیرفته شده‌اند، در حالی که این درصد برای

I. محمود طالقانی، «بررسی اثرات انتخاب دانشجویان بومی در افزایش نیروهای متخصص مناطق محروم»، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۴، ص ۲.

داوطلبان نظام جدید ۱۲/۴۸ درصد است. در سال‌های بعد روش اجرای کنکور مجدداً یک مرحله‌ای شد.^۱

ه. انتخاب محتوای آزمون از متن کتب چهار سال دوره متوسطه

از دیگر اصول حاکم بر گزینش آن است که محتوای آزمون از متن کتب چهار سال آخر دوره متوسطه انتخاب شود. بر این اساس در مرحله اول، از تمامی داوطلبان بر پایه دروس عمومی چهار سال و دروس تخصصی سال چهارم متوسط و در مرحله دوم از پذیرفته‌شدگان مرحله اول براساس دروس تخصصی چهار سال دبیرستان امتحان گرفته شده است. دلایل و اهداف اجرای این سیاست، ایجاد معیار ثابت، هماهنگی میان مواد آزمون و محتوای دوره دبیرستان و به عبارتی برقراری هماهنگی میان نظام آموزش و پرورش و نظام آموزش عالی و همچنین توجه بیش‌تر داوطلبان به فراگیری گسترده و عمیق درونی دوره دبیرستان است.^۲

و. تنوع انتخاب رشته

براساس این اصل، تمامی داوطلبان مجاز به انتخاب ۱۰۰ رشته از مناطق تحصیلی مختلف هستند. از اهداف مهم این اصل پذیرفته شدن داوطلبان در رشته مورد علاقه خود با توجه به رتبه اکتسابی‌شان و در نهایت کم‌تر شدن تعداد دانشجویانی بوده است که در دانشگاه‌ها برای تغییر رشته یا انتقال اقدام خواهند کرد.

توانایی پیش‌بینی موفقیت داوطلب در طول دوران تحصیل در دانشگاه مستلزم توجه به عامل علاقه در پذیرش دانشجو است، چرا که بین علاقه به رشته تحصیلی و موفقیت در دانشگاه رابطه معناداری وجود دارد و موفقیت دانشجویانی که در یکی از انتخاب‌های اول خود پذیرفته شده‌اند (پذیرش از غیراجبار) از دانشجویانی که در انتخاب‌های چندگانه بعدی پذیرفته شده‌اند (پذیرش از روی اجبار) بیش‌تر است. با مروری بر آمار مقایسه‌ای ظرفیت‌ها، تعداد انتخاب‌های اول و دوم (ملاک علاقه) و میزان قبولی در انتخاب‌های اول و دوم ملاحظه شد که از سال ۱۳۷۰ به بعد، نسبت قبولی در رشته‌های مورد علاقه (مورد انتخاب اول و دوم)

I. نسرین نورشاهی، «تحولات نظام گزینش دانشجو برای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی ایران با تأکید

بر تحولات بین سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۷۶»، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ۱۳۷۷، ص ۶۳.

1. زهرا مجتهدی، «بررسی رابطه بین شیوه فعلی گزینش دانشجو و موفقیت در دانشگاه»، دانشگاه علامه

طباطبایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، ۱۳۷۲، ص ۶۸.

همواره سیر نزولی داشته است و سال به سال داوطلبان کم‌تری در رشته مورد علاقه خود پذیرفته شده‌اند. همچنین مشاهده شد که به‌طور متوسط نسبت تعداد متقاضیان با علاقه به تعداد ظرفیت رشته‌ها در مجموع گروه‌های آموزشی همواره سیر صعودی داشته است. این در حالی است که در سال ۱۳۷۰، این نسبت ۴ برابر بوده، در سال ۱۳۷۶ به حدود ۷ برابر رسیده است و در سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۷۶، تعداد علاقه‌مندان به هر رشته، به‌طور متوسط تقریباً ۵ برابر ظرفیت موجود برای آن رشته بوده است. از طرف دیگر، ملاحظه شد که متوسط نسبت تعداد افراد قبول شده با علاقه به ظرفیت موجود، در سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۷۶، همواره سیر نزولی داشته و این نسبت در میان گروه‌های مختلف به‌طور متوسط از ۱۸/۲۳ به ۱۰/۳ رسیده است. همچنین در کل سال‌های مذکور، در مجموع فقط ۱۳/۱۴ درصد از ظرفیت رشته‌ها را افرادی اشغال کرده‌اند که به آن رشته‌ها علاقه داشته‌اند.^۱

ز. تفکیک علمی داوطلبان

ملاحظه نوع مدرک پایان متوسطه داوطلبان از یک طرف و محتوای رشته‌های تحصیلی دانشگاهی از طرف دیگر، منجر به تفکیک رشته‌های تحصیلی آموزش عالی به چهار گروه متجانس شد (علوم ریاضی و فنی، علوم تجربی، علوم انسانی و هنر) و مقرر شده است که هر داوطلب، بدون توجه به نوع مدرک پایان متوسطه خود، بتواند متقاضی شرکت در آزمون یکی از این گروه‌های چهارگانه شود.^۲ به هر حال توجه به این واقعیت‌ها در ارزیابی سیاست موجود بسیار اهمیت دارد.

مطالعه و بررسی تطبیقی گزینش دانشجو در جهان

انتقادهای گسترده بر نحوه اجرای کنکور سراسری و روش گزینش دانشجو برای تحصیلات تکمیلی، از طرف اقشار مختلف جامعه و تأثیرگذاری نحوه اجرای آزمون گزینش دانشجو بر آموزش و پرورش و سیاستگذاری آن، ضرورت پرداختن به بررسی شیوه‌های گزینش در سایر کشورهای جهان را روشن می‌سازد. اطلاع از روش پذیرش دانشجو برای دانشگاه‌ها و

۱. نسرین نورشاهی، «تحولات نظام گزینش دانشجو برای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی ایران با تأکید بر تحولات بین سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۷۶»، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ۱۳۷۷، ص ۶۵.
۲. همان منبع.

مؤسسات آموزش عالی در کشورهای دیگر و چگونگی رویارویی آنان با مسائل و مشکلات مربوط به کنکور و استخراج تجربیات آنان، می‌تواند عامل مؤثری برای حل و فصل معضل کنکور در ایران باشد.

این نکته بدیهی است که میزان جمعیت، فرهنگ، اقتصاد، سیاست، صنعت، وضعیت جغرافیایی و تاریخی، موقعیت استراتژیک و ... دخالت مستقیم با نحوه گزینش دانشجو دارد. اما می‌توان با تحلیل و بررسی منطقی روش‌ها و استفاده از تجارب و فنون کشورهای موفق که پیشتاز در مسائل علمی هستند و نیز انطباق آنان با فرهنگ سنتی ایران، جهت ارائه طرحی جدید برای گزینش دانشجو بهره جست.

در ادامه، مروری کوتاه بر روش‌های پذیرش دانشجو در چند کشور دنیا خواهد شد، تا با استفاده از تجربیات کشورهای دیگر، الگویی مناسب برای ایران ارائه شود.

انگلستان

پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی انگلستان به صورت غیرمتمرکز است و به همین دلیل آنها برای سازماندهی از قوانین کلی پیروی نمی‌کنند و نهاد واحدی که مسئول گزینش دانشجو باشد، وجود ندارد.

برای ورود به دانشگاه‌ها، دانش‌آموزان باید در امتحان عمومی دبیرستان گواهی آموزش عمومی (GCE)^۱ را با درجه معمولی کسب کنند. کسانی که نمره خوب یا (A-level) داشته باشند، در مدارس جامع تحصیل می‌کنند و انتخاب رشته‌های دلخواه در صورت داشتن نمره‌های بالا در دانشگاه‌هاست. علاوه بر این دانشگاه‌های انگلستان فرمان سلطنتی دارند و از قوانین خاص مصوب مجلس پیروی می‌کنند که به آن‌ها حقوق و اختیاراتی اعطا می‌کند و خطمشی اصلی آن‌ها را تعیین می‌کند.

هر دانشگاه حق اعطای درجه‌های آموزشی ویژه خود را دارد. همه دانشگاه‌ها خودمختارند، به‌ویژه در مورد آموزش و برنامه‌های درسی.

فرانسه

نظام آموزش عالی فرانسه بر پایه بخش دولتی استوار است و در کنار آن‌ها مؤسسات خصوصی نیز فعالیت دارند. شرط ورود به مراکز آموزش عالی، علاوه بر داشتن دیپلم

1. General Certificate of Education

دبیرستان (Boce)، شرکت در امتحان تخصصی است که شامل ۵ گروه است.

۱. فلسفه و ادبیات،
۲. اقتصادی و اجتماعی،
۳. ریاضیات و علوم فیزیک،
۴. ریاضیات و علوم طبیعی،
۵. ریاضی و فنی.

امتحان دیپلم تحصیلات متوسطه شامل دروس اجباری و انتخابی است که بیانگر درجه‌ای از فرهنگ عمومی است و برای ادامه تحصیل مورد نیاز است.

ژاپن

در ژاپن شمار مؤسسات آموزش عالی بسیار زیاد است که بخشی از آن‌ها دولتی، ملی، منطقه‌ای و بخشی دیگر خصوصی هستند. حدود ۷۰ درصد دانشگاه‌ها و ۸۰ درصد کالج‌ها خصوصی هستند. ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ژاپن به نسبت دشوار و پرقاب است زیرا داوطلبان در یک آزمون عمومی، برای همه دانشگاه‌های ملی، محلی و خصوصی پذیرفته می‌شوند که مرحله اول گزینش دانشجو است. مؤسسه (N.C.U.E.E) در ژاپن همانند سازمان سنجش کشور به برگزاری آزمون ورودی می‌پردازد. دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی اختیار دارند با توجه به علاقه، استعداد داوطلب و رشته تحصیلی موجود در مراکز آموزشی، آزمون مرحله دوم را برگزار کنند.

در نهایت با لحاظ کردن جمع نمره‌های اخذ شده در ۲ مرحله و نمره‌های درسی داوطلب در دوره دوم متوسطه و توصیه‌های مدیر مدرسه، دانشجو انتخاب می‌شود.

قابل ذکر است که در ژاپن، روش پذیرش دانشجو به صورت معضل اجتماعی درآمده و بسیاری از خانواده‌ها مجبور به صرف هزینه‌های گزاف در کلاس‌های آمادگی خصوصی هستند. البته در این کشور همه فارغ‌التحصیلان متوسطه متقاضی ورود به دانشگاه‌ها نیستند. در سال ۱۹۹۹ فقط ۴۲ درصد از فارغ‌التحصیلان متقاضی ورود به دانشگاه‌ها بوده‌اند.

آلمان

در آلمان هر مؤسسه آموزشی در آن واحد، نهادی ایالتی و از نقطه نظر حقوق مدنی یک شخصیت حقوقی است. این به آن معنی است که دولت‌های محلی موظف به تأمین نیروی

انسانی و نیازهای مالی مؤسسات آموزش عالی هستند. اما هر مؤسسه به‌عنوان شخصیت حقوقی مستقل از دولت، درباره مشکلات داخلی خود، روش‌های تدریس و برنامه‌های تحصیلی و پژوهشی خودمختار است. شرط ورود به مراکز و مؤسسات آموزش عالی، کسب گواهینامه پایان دبیرستان است که پس از گذراندن سیزده سال تحصیلات دبستان و دبیرستان به‌دست می‌آید. شرایط پذیرش مدارس حرفه‌ای تخصصی گذراندن دوازده سال آموزش دبستان و دبیرستان و یک سال کارآموزی عملی است. به‌طور کلی، در همه ایالت‌ها اقداماتی صورت گرفته است تا امکان تحصیل شاغلان را در مؤسسات تمام وقت یا پاره وقت فراهم کند. در بسیاری از رشته‌های فنی پیش از ورود به آموزش عالی می‌باید یک دوره کارآموزی عملی به‌مدت سه ماه تا یک سال و نیم گذرانده شود.

ایالات متحده امریکا

در ایالت متحده امریکا مؤسسات آموزش عالی بر دو نوع هستند: دولتی و خصوصی. به‌دلیل شمار بسیار زیاد مؤسسات آموزش عالی، نرخ بالای تحصیل در این سطح و تنوع فراوانی این مؤسسات در کیفیت آموزشی مؤسسات مختلف، اختلاف آشکاری دیده می‌شود. به‌طور کلی مؤسسات آموزش عالی را می‌توان به ۴ دسته تقسیم کرد. ۱. انستیتوهای فنی و مدارس نیمه حرفه‌ای، ۲. کالج‌های مقدماتی، ۳. کالج‌های دانشگاهی آموزش عمومی و ۴. دانشگاه‌ها که فقط در این قسمت بالاترین درجه دانشگاهی را می‌توانند اعطا کنند.

شرط ورود به آموزش عالی، دیپلم دبیرستان است که در حدود هیجده سالگی یعنی پس از دوازده سال تحصیل ابتدایی و متوسطه اخذ می‌شود. در واقع در بیش‌تر ایالات متحده دریافت این دیپلم به قبولی در آزمون نهایی بستگی ندارد بلکه به نتایج سال آخر تحصیل مربوط می‌شود. اکثر مؤسسات آموزش عالی، گزینش دانشجو را یا به‌وسیله نتایج به‌دست آمده در دیپلم دبیرستان یا از طریق آزمون ورودی کالج انجام می‌دهند. اغلب آزمون‌ها به‌منظور برخورداری دانشجو از کمک هزینه مالی است. داوطلبان می‌توانند تقاضای پذیرش خود را هم‌زمان به بسیاری از دانشگاه‌ها یا کالج‌ها ارسال یا از طریق رادیو، تلویزیون، مجلات و روزنامه‌ها آموزش خود را دنبال کنند و به‌طور غیرسنتی به تحصیل ادامه دهند.

چین

در چین مراکز آموزش عالی شامل دو بخش خصوصی و دولتی است. وزارت مرکزی آموزش و پرورش خط‌مشی عمومی، هماهنگی و تشکیلات اداری این مؤسسات را تعیین کرده و مسئولیت اجرایی برنامه‌ها و جنبه‌های تربیتی و انتخاب کتاب‌ها را بر عهده دارد. در مورد ورود به آموزش عالی، سیاست کلی به‌وسیله وزیر آموزش و پرورش و با همکاری وزارتخانه‌های دیگر و سازمان‌های مربوط به آن‌ها و خود دانشگاه‌ها تعیین می‌شود. گزینش دانشجو با برگزاری آزمون ورودی سراسری در میان دانش‌آموزان به‌وسیله مؤسسه (NEEA) انجام می‌شود و با توجه به جمعیت زیادی که دارد این آزمون سه روز طول می‌کشد.

تعداد داوطلبان شرکت در آزمون با توجه به جمعیت آن به نسبت کم (۰/۳۹ درصد) بوده و میزان پذیرش نیز بالای (۰/۵۲ درصد) است.

سوریه

در سوریه آموزش عالی بر عهده دولت بوده و مجری آن وزارت آموزش و پرورش است. شورای آموزش عالی متشکل از نمایندگان دانشگاه‌ها، استادان، دانشجویان و وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، آموزش عالی و برنامه‌ریزی است. این شورا سیاست کلی آموزش و پژوهش را تعیین می‌کند.

آزمون سال آخر دبیرستان، به‌صورت هماهنگ و سراسری انجام می‌شود. نمره‌های اخذ شده داوطلب ملاک ورود به دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی است. با توجه به رشته تحصیلی دبیرستان و اولویت‌بندی نمره‌های داوطلبان، به تعداد ظرفیت دانشکده، دانشجویان انتخاب و ثبت‌نام می‌شوند.

علاقه‌مندان آموزش حرفه‌ای با مدرک پایین‌تر از دیپلم نیز می‌توانند در دوره‌های کارآموزی شرکت کنند.

ایتالیا

از آن‌جا که امتحان پایان دوره دبیرستان به‌صورت سراسری (هماهنگ) برگزار می‌شود؛ بنابراین برای ورود به دانشگاه ملاک پذیرش، نمره دیپلم متوسطه است و داوطلب می‌تواند

مدرک دیپلم خود را با تکمیل فرم مخصوص جایابی و ارسال آن به وزارت دانشگاه، پژوهش و علوم و فناوری، اجازه ورود به دانشگاه بگیرید.

امارات متحده عربی

در این کشور، معدل مقطع دبیرستان ملاک پذیرش دانشجو است. همچنین به دلیل افت تحصیلی، اقدام به برگزاری دوره یکساله پیش‌دانشگاهی کرده‌اند.

برزیل

دانش‌آموزان پس از گذراندن دوره‌های دبیرستان و کالج برای راهیابی به آموزش عالی در امتحان ورودی شرکت می‌کنند. پذیرش دانشجو براساس نمره به‌دست آمده با توجه به ظرفیت دوره‌ها از طریق روزنامه‌ها اعلام می‌شود.

بلژیک

در این کشور، برای ورود به دوره اول (مقطع اول) دانشگاه‌ها بدون آزمون ورودی، دانشجو می‌پذیرند. سوابق تحصیلی و نمره‌های مقطع اول، ملاک ادامه تحصیلات دانشجو است.

پاکستان

برای داوطلبان روش پذیرش مشخصی وجود ندارد و روش‌هایی که به‌منظور پذیرش دانشجو اعمال می‌شوند نیز با توجه به محل جغرافیایی (روستا، شهر یا پایتخت) متفاوتند، به‌طور کلی، آموزش عالی از کلاس یازده شروع می‌شود و دو سال (۱۱ و ۱۲) به‌نام «انترمیدیت»^۱ و بعد از آن دوره دوساله دیگر (لیسانس) آغاز می‌شود. شورای پذیرش دانشجو از هر دانشکده از طریق آموزش ناحیه، انتخاب می‌شوند. دانشجو ممکن است به‌صورت تمام وقت یا نیمه‌وقت پذیرفته شود.

زامبیا

ثبت‌نام داوطلب برای تحصیلات عالی بدون آزمون ورودی انجام می‌شود. در صورت افزایش متقاضیان در یک رشته دانشگاهی، به نمره‌های دروس تخصصی آنان توجه می‌شود. آموزش

مکاتبه‌ای در این کشور وجود ندارد. (در بیش‌تر کشورهایی که آزمون سراسری ندارند؛ بانک سؤالات آزمون هم ندارند.)

زیمبابوه

پذیرش دانشجوی برای تحصیلات عالی براساس نمره امتحانات عمومی در سطوح عالی (A-Level) و معمولی (O-Level) در دوره دبیرستان و مصاحبه صورت می‌گیرد.

سوئد

در این کشور آزمون سراسری وجود ندارد، بلکه پذیرش دانشجوی برای تحصیلات عالی با گذراندن پایان دوره متوسطه و دروس پیش‌دانشگاهی و معدل مورد نیاز در ارتباط با رشته مورد تقاضای داوطلب صورت می‌گیرد.

سوئیس

دانشگاه‌های ژنو و نوران، به دلیل داشتن ظرفیت کافی برای پذیرش دانشجویان، نیازی به برگزاری آزمون ورودی ندارند. از آن‌جا که ممکن است در رشته‌های پزشکی و دندانپزشکی، داوطلبان بیش از ظرفیت باشند، هر سال کمیسیونی برای بررسی سوابق تحصیلی انتخاب دانشجویان تشکیل می‌شود تا به تعداد ظرفیت دانشگاه به داوطلبان، پذیرش داده شود.

سنگال

در این کشور نیازی به برگزاری آزمون سراسری نیست. زیرا تعداد داوطلبان برای تحصیلات عالی کم و دسترسی مردم به تحصیلات اندک است.

مصر

برای ورود به دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی، داشتن حداقل ۷۵ درصد نمره در پایان دوره دبیرستان نیاز است. تعداد پذیرش دانشجویان با توجه به ظرفیت دانشکده یا دانشگاه صورت می‌گیرد که از طریق شورای عالی دانشگاه وابسته به آموزش عالی تعیین می‌شود. بنابراین دارندگان معدل ۷۵ درصد و بالاتر برای دریافت پذیرش ثبت‌نام می‌کنند و انتخاب دانشجویان براساس اولویت بالاترین معدل دیپلم در رشته‌های مختلف انتخاب می‌شوند. یادآوری می‌شود که در بعضی از رشته‌ها مانند پزشکی علاوه بر معدل دبیرستان آزمون

ورودی نیز برگزار می‌شود.

ترکیه

برای ورود به دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی پس از اخذ مدرک دیپلم دبیرستان، داوطلب تحصیلات عالی، باید در کنکور سراسری قبول شود. مواد امتحانی شامل: ریاضی، فیزیک، شیمی، اطلاعات عمومی و تست هوش است. قبولی متقاضیان برای تحصیلات عالی، براساس رتبه کسب شده در آزمون سراسری است. ضمن این‌که چهار سال آخر دبیرستان جزء تحصیلات دانشگاهی به‌شمار می‌رود که پس از اخذ پایان نامه آن، داوطلب در کنکور سراسری شرکت می‌کند تا وارد دوره دوم دانشگاه شود. تا سال ۱۹۹۹ کنکور سراسری دو مرحله‌ای بوده است. مرحله اول، با آزمون کتبی و مرحله دوم با مصاحبه (در دروس علوم طبیعی، ریاضیات، علوم اجتماعی، زبان ترکی و یک زبان خارجی) صورت می‌گرفت. نمره مرحله اول و دوم و معدل کل دیپلم دبیرستان با هم جمع می‌شد. اما از سال ۱۹۹۹ میلادی به بعد مرحله دوم آزمون حذف شد.

هلند

برای ورود به دانشگاه‌ها دیپلم مقدماتی دانشگاه (VWO)^۱ و برای ورود به مدارس عالی حرفه‌ای (HBO)^۲ دیپلم متوسطه پیشرفته به‌نام (HAVO)^۳ لازم است. در صورتی‌که داوطلب فاقد این مدرک باشد، با حداقل سن ۲۱ سال، باید برای ورود به دانشگاه امتحان ورودی (به‌نام کالیکویم) را بگذراند.

یمن

داوطلب پس از گذراندن پایان دوره دبیرستان و گذراندن یک سال سربازی (سرباز معلم) وارد دانشگاه می‌شود. در بعضی از رشته‌های پرداوطلب مانند پزشکی و مهندسی، داوطلبان براساس نمره‌های سه سال آخر دوره دبیرستان (معدل دیپلم) از بالا انتخاب می‌شوند. به‌طور کلی وقتی تعداد داوطلب در رشته‌ای بیش از ظرفیت دانشگاه باشد، آنگاه پذیرش دانشجو با اولویت معدل از بالا صورت می‌گیرد و به نوبت در سال‌های بعد نیز ممکن است

1. (Wetenschappelijk Onderwijs)
2. Getuigschrift Hoger Beroepsonderwijs or (HBO)
3. HAVO-or Professional Secondary Education Diploma

واجد شرایط پذیرفته شدن برای تحصیلات دانشگاه باشد.

نیوزیلند

در این کشور، پذیرش دانشجو از طریق آزمون ورودی صورت می‌گیرد. وجه تمایز آن با روش پذیرش دانشجو در سایر کشورها این است که: طرح سؤالات و برگزاری آزمون در هر یک از مدارس به‌طور مجزا (مستقل) انجام می‌شود. دانش‌آموزان پس از پایان فرم ۶ (معادل دیپلم) بدون آزمون وارد دانشگاه می‌شوند.

کره شمالی

در این کشور کنکور سراسری وجود ندارد، زیرا افراد از دوره دبیرستان براساس برنامه‌ریزی‌های علمی و تخصصی با توجه به نیاز جامعه تحصیل می‌کنند و همه افراد می‌توانند آزادانه به تحصیل بپردازند.

کویت

دانشگاه کویت فقط براساس معدل دیپلم دانشجو می‌پذیرد. هر داوطلب فقط دو سال متوالی حق تقاضای ورود به دانشگاه را دارد.

عراق

پذیرش دانشجو، پس از پایان امتحانات دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان از طریق کنکور سراسری انجام می‌گیرد. این آزمون به‌صورت ۲۰ درصد تستی و ۸۰ درصد تشریحی است. تعداد کم‌تر از ۱۰۰ سؤال از کتب درسی دوره دبیرستان طرح می‌شود. پاسخ غلط نمره منفی ندارد. آزمون برای شش درس به‌طور یک روز در میان و در مجموع ۱۲ روز طول می‌کشد. دروس محدود به دو رشته کلی؛ دروس رشته‌های علمی و دروس رشته‌های ادبیات با ضرایب یکسان هستند. دروس رشته‌های علمی شامل: عربی، دینی، انگلیسی، ریاضیات، فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی است. دروس رشته‌های ادبیات شامل: عربی، دینی، انگلیسی، ریاضیات، تاریخ، جغرافیا و علوم اجتماعی است. مدت آزمون برای هر درس ۲ تا ۳ ساعت است. نتایج آزمون پس از ۲۰ روز اعلام می‌شود.

عمان

پذیرش دانشجو بر پایه نمره بعضی از دروس سال آخر دبیرستان در ارتباط با رشته انتخابی داوطلب صورت می‌گیرد و دانشجویان براساس همین نمره‌ها از بالا به پایین انتخاب می‌شوند. در ضمن انتخاب‌شدگان هر ماه امتحانی را می‌گذرانند و نتیجه حاصل از امتحانات یکساله ملاک برتری و ارتقا و تجدید آنان می‌گردد. دانشجویان ممتاز از بورس تحصیلی استفاده می‌کنند.

عنا

در این کشور، آزمون ورودی سراسری به صورت کتبی با سؤالات تشریحی برگزار می‌شود. تعداد ۱۰۰ سؤال با ضرایب یکسان، از دروس طرح می‌شود. به دلیل تشریحی بودن سؤالات، نمره‌های پاسخ‌ها در ۶ سطح امتیازبندی می‌شود. براساس میانگین نمره‌های فوق‌الذکر به‌علاوه مصاحبه‌ای که از هر داوطلب گرفته می‌شود، پذیرش دانشجو صورت می‌گیرد.

لبنان

پذیرش دانشجو از طریق امتحان ورودی در موضوع‌های اطلاعات عمومی و زبان انگلیسی در دانشگاه امریکایی بیروت صورت می‌گیرد.

نمره‌های دوره دبیرستان و نمره‌های کنکور عمومی جمع و معدل‌گیری می‌شود. در بعضی از رشته‌ها مانند مهندسی و پزشکی به دلیل محدودیت ظرفیت با توجه به زیاد بودن متقاضیان، آزمون از طریق دانشکده مربوطه برگزار می‌شود.

ماناگوآ

پذیرش دانشجو به‌طور غیرمتمرکز (به‌وسیله دانشگاه به‌طور مستقل) صورت می‌گیرد. تعداد کم‌تر از ۱۰۰ و بیش‌تر از ۲۰۰ سؤال تستی و تشریحی از کتاب‌های دوره دبیرستان طرح می‌شوند. ضرایب نمره دروس یکسان است و پاسخ‌های غلط نمره منفی ندارند. غیر از نمره آزمون ورودی غیرمتمرکز، ممکن است معدل دیپلم و معرف‌های دیگر در پذیرش داوطلب برای آموزش عالی مؤثر باشند.

موزامبیک

در این کشور دو دانشگاه (ادوارد و ماندلاند) وجود دارند که دانشجویان را از طریق آزمون

کتبی می‌پذیرند. تعداد ۱۵۰ تا ۲۰۰ سؤال به صورت تستی و تشریحی طرح می‌شوند. ضرایب نمره دروس یکسان است. در این آزمون نمره منفی در نظر گرفته نمی‌شود. در رشته‌ای مانند علوم اجتماعی ممکن است غیر از آزمون، مصاحبه‌ای هم از داوطلب گرفته شود.

مالزی

دوره دوم دبیرستان در مالزی ۳ سال است که در ۲ سال اول دانش‌آموزان دروس معینی را انتخاب می‌کنند و در امتحاناتی به نام «گواهینامه آموزشی مالزی» (SPM) شرکت می‌کنند. برای ورود به دانشگاه، داوطلب باید ۱ سال دیگر تحصیل کند و در امتحان آخر سال مدرکی به نام «گواهینامه پایان دوره دبیرستان مالزی» (STPM) دریافت کند. دارندگان SPM می‌توانند در کالج‌ها و پلی‌تکنیک‌ها و دارندگان نمره خوب در دو درس در STPM و در دانشگاه‌ها تحصیل کنند.

نروژ

ملاک پذیرش دانشجو برای ورود به دانشگاه ریزنمره‌های دروس دبیرستان است که متناسب با رشته مورد تقاضا و براساس اولویت از بالاترین نمره‌ها، دانشجویان خود را انتخاب می‌کنند.

نیجریه

تعداد داوطلبان برای تحصیلات عالی اندک است، بنابراین داوطلبان با داشتن دیپلم متوسطه، بدون آزمون ورودی می‌توانند برای تحصیلات عالی ثبت‌نام کنند.

استرالیا

برای ورود به آموزش عالی کنکور سراسری ندارد بلکه هر استان نمره‌های پایان دوره دبیرستان (کلاس دوازدهم) دانش‌آموزان را محاسبه می‌کند و دانشگاه‌ها به‌طور مستقل پذیرش می‌دهند و مدارک تحصیلی را نیز صادر می‌کنند.

1. Sijil Persekolahan Malaysia
2. Sijil Tinggi Persekolahan Malaysia

کره جنوبی

پس از دوره دوم دبیرستان تحصیلات دانشگاهی، می‌تواند آغاز شود و آن با قبول شدن در آزمون ورودی دانشگاه یا مؤسسات آموزش عالی امکان‌پذیر است. از ویژگی‌های پذیرش دانشجو در کره جنوبی، نبودن آزمون سراسری است؛ زیرا هر دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی دانشجویان خود را از طریق آزمون ورودی (غیرمتمرکز) انتخاب می‌کنند، بنابراین داوطلب می‌تواند در دانشگاه یا مؤسسه آموزش عالی مورد علاقه خود امتحان دهد تا در صورت قبولی در آن ادامه تحصیل دهد. بنابراین، داوطلب می‌تواند در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی مختلف امتحان دهد (یادآوری می‌شود که، این روش در کشور بنگلادش نیز جریان دارد). پذیرش دانشجو، تعیین رشته‌ها، طرح دروس، ضوابط و قوانین صدور مدارک تحصیلی، از طریق وزارت آموزش عالی صورت می‌گیرد. ضمن این که زبان آزمون، کره‌ای است.

فنلاند

برای ورود به دانشگاه، داشتن دیپلم دبیرستان و قبول شدن در آزمون سراسری دانشگاه‌ها لازم است. حدود نیمی از داوطلبان پذیرفته می‌شوند. زبان آزمون ممکن است فنلاندی، سوئدی یا انگلیسی باشد.

فیلیپین

در این کشور سالی یک بار آزمون عمومی برگزار می‌شود و تعدادی از دانشگاه‌ها با نتیجه همین آزمون دانشجویان را می‌پذیرند و تعدادی دیگر از دانشگاه‌ها از متقاضیان، آزمون مجدد (غیرمتمرکز) به عمل می‌آورند.

قطر

به دلیل تناسب جمعیت این کشور با ظرفیت پذیرش دانشجو، فعلاً نیازی به برگزاری آزمون سراسری نیست و ملاک پذیرش دانشجو فقط نمره‌های تحصیلی دوران دبیرستان است.

کانادا

شرط ورود به دانشگاه براساس معدل نمره‌های سال آخر دبیرستان است. دانشگاه‌ها در پذیرش دانشجویان و صدور مدارک تحصیلی خود گردانند.

هندوستان

شرایط ورود به دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی، داشتن گواهینامه دبیرستان (۱۰+۲) و به شرط معدل و در نهایت نمره آزمون ورودی است. آزمون، برای ورود به دانشگاه به صورت‌های مختلف برگزار می‌شود که بعضاً به صورت ذیل است:

- آزمون سراسری برای مراکز آموزشی مهندسی و علوم یا انستیتوهای تکنولوژی و به نام علوم هند و علوم پزشکی و ...

- تعداد زیادی از دانشگاه‌ها با آزمون ورودی منطقه‌ای، دانشجویان خود را می‌پذیرند.

- در سال‌های گذشته، ورود به دانشگاه در رشته‌های غیرمهندسی و پزشکی، براساس معدل دیپلم و نمره دروس مربوط به دبیرستان و مصاحبه صورت می‌گرفت، اما اینک در همه آن‌ها آزمون ورودی و گاهی همراه با مصاحبه است.

- تعدادی از دانشگاه‌ها برای رشته‌های فنی و مهندسی و پزشکی، آزمون برگزار می‌کنند. دانشجویان براساس اولویت نمره گزینش می‌شوند و در صورت عدم اخذ نمره عالی در رشته‌های پایین‌تر به تحصیل مشغول می‌شوند.^۱

به‌طور کلی بررسی‌های تطبیقی نشان می‌دهد که دو شیوه عمده به‌منظور ورود متقاضیان به تحصیلات عالی در سطح جهان وجود دارد. اول برگزاری آزمون و انجام سنجش و گزینش. این شیوه نوعاً در کشورهای اعمال می‌شود که با محدودیت ظرفیت و فزونی تقاضا مواجه هستند. برگزاری آزمون نیز در برخی کشورها متمرکز و در برخی دیگر به‌وسیله دانشگاه‌ها و به صورت مستقل انجام می‌پذیرد.

شیوه دیگر عدم برگزاری آزمون و سنجش در طول دوره‌های آموزشی قبل از دانشگاه است. این شیوه نیز بیش‌تر از طرف کشورهای به‌کار گرفته می‌شود که ظرفیت کافی و تقاضای متعادل دارند. البته برخی کشورها نیز وجود دارند که براساس معیاری غیر از ظرفیت دانشگاه و تعادل در عرضه و تقاضا و براساس مبنایی مانند معدل کل دوره و انجام مصاحبه و ... به گزینش دانشجو می‌پردازند.

در ایران، همان‌طور که اشاره شد، شیوه گزینش براساس برگزاری آزمون انجام می‌گیرد که در طول سال‌های گذشته دچار فراز و نشیب‌هایی شده است. این شیوه با انتقاداتی مواجه

I. رحمت‌الله قلی‌پور، ملکه آقابزرگی، «گزارش بررسی پیش‌نویس لایحه گزینش دانشجو»، دفتر فرهنگی، مرکز

پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اسفند ماه ۱۳۸۱، صص ۳۰-۱۵.

است، که با آسیب‌شناسی آن برخی نقدها و ایرادات مهم آن آشکار خواهد شد.

آسیب‌شناسی کنکور

از دیرباز مسأله ورود به دانشگاه و نظام ناکارآمد پذیرش دانشجو به‌وسیله کنکورهای ورودی مورد انتقاد شدید دست‌اندرکاران امور آموزش، جامعه و دلسوزان و آگاهان تعلیم و تربیت قرار داشته است. در واقع از سه دهه پیش در جامعه ایران پذیرفته شدن در کنکور ورودی دانشگاه‌ها به‌صورت معضل اجتماعی، روانی و اقتصادی مطرح شده است و در حرکت است تا شاید به چالش سیاسی نیز مبدل شود. به‌ویژه آن‌که بررسی‌های انجام شده درباره آن و چگونگی رویارویی با مشکلات ناشی از آن، بیش‌تر محدود، سطحی و شتاب‌زده بوده است.

این امر موجب شده است امروز آزمون ورودی دانشگاه‌ها و به‌عبارتی کنکور، ابعاد تازه‌ای به‌خود گرفته به‌گونه‌ای که همه از آن به‌عنوان امتحانی سرنوشت‌ساز یاد می‌کنند. کارشناسان، جوان بودن جمعیت، گسترش فرهنگ مدرک‌گرایی، فاصله عمیق میان صاحبان مشاغل مختلف، برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و بیکاری را از جمله عوامل اصلی کنکورزدگی در جامعه کنونی، می‌دانند.

کنکور، ذهن و فکر بسیاری از خانواده‌ها را دست‌کم از زمان آغاز تحصیلات فرزندان در مقطع متوسطه به‌خود مشغول کرده و با معطوف شدن همه نگاه‌ها به درهای دانشگاه، بخش‌های دیگر جامعه در حاشیه قرار گرفته است.

افزایش اضطراب، استرس، افسردگی و کشمکش‌های خانوادگی در نزد داوطلبان از یک‌طرف و سرخوردگی حاصل از ناکامی قبول نشدن در کنکور از طرف دیگر، چنان انرژی و توانی را از جامعه گرفته است که بسیاری اعتقاد دارند باید در این زمینه طرحی نو پایه‌ریزی شود. آثار ناشی از آزمون ورودی سراسری چند سالی است که به‌طور جدی شیوه‌گزینش دانشجو در کشورمان با انتقاد مردم و مسئولان روبه‌رو بوده است. هر سال بیش از ۱/۵ میلیون نفر از دانش‌آموختگان، دل به کنکور سراسری و کنکورهای برخی مراکز آموزشی چون دانشگاه آزاد اسلامی، پیام نور می‌سپارند تا شاید بتوانند وارد جریان دانش‌اندوزی در سطح عالی شوند، اما در مجموع چیزی حدود ۲۰ درصد موفق می‌شوند به این مراکز راه یابند.

ولی مشکل این جاست که مسئولان، برنامه‌ریزان و مجریان کنکور به روش فعلی، خو کرده‌اند و حاضر به انجام تلاش جدی برای تغییر زیربنایی این رویه نیستند. زیرا اکنون سازمان سنجش مهارت زیادی در برگزاری روش فعلی کنکور پیدا کرده است و با توجه به

اصل «مقاومت در مقابل تغییر» که در علم مدیریت، اصلی جا افتاده و روشن است، حاضر به تغییر شیوه معمول خود نیست. در حالی که هر سال کنکور معضلات فراوانی را برای داوطلبان و خانواده‌های‌شان و حتی نظام تعلیم و تربیت به وجود می‌آورد. معضلاتی که موضوع پژوهش بسیاری از دانشگاهیان و پژوهشگران بوده است. آسیب‌های کنکور در قالب‌های آسیب‌های اجتماعی، روانی، فرهنگی، آموزشی، فنی - روشی و بالاخره آسیب‌های اقتصادی، دسته‌بندی شد که به صورت خلاصه در زیر به آن‌ها اشاره می‌گردد:

الف. آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی

- افسردگی و خجالت والدین بر اثر شکست فرزندان در کنکور و دوگانگی در وضعیت فرزندان قبول شده و قبول نشده،
- جابه‌جایی ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها ناشی از پذیرش و عدم پذیرش در کنکور در جامعه،
- از بین رفتن نشاط در بخش عظیمی از افراد کشور،
- شکل‌گیری انواع مختلفی از نگرانی‌های اجتماعی،
- افزایش تنش‌ها و تشنج‌های اجتماعی و خانوادگی،
- مبنا قرار گرفتن کنکور برای کسب موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی در آینده،
- شکل‌گیری این تفکر که تمام موفقیت‌ها فقط از طریق ورود به دانشگاه میسر است،
- شکل‌گیری نوعی نگاه تحقیرآمیز به مشاغل سطح پایین جامعه،
- تبعات نامناسب اجتماعی ناشی از فشارهای فردی و اجتماعی به داوطلبان،
- شکل‌گیری نوعی فاصله طبقاتی میان خانواده‌هایی که قادر به ثبت‌نام فرزندان خود در کلاس‌های کنکور هستند با خانواده‌هایی که قادر نیستند و تبعات و پیامدهای منفی آتی آن،
- مدرک‌گرایی و بهای بیش از حد به تحصیلات عالی در مقابل تجربه و خلاقیت و کارآفرینی به نحوی که مقررات استخدامی نیز تحت تأثیر این امر قرار گرفته است،
- شکل‌گیری روحیه قبول شدن در دانشگاه حتی در رشته‌های غیرمورد علاقه و تبعات منفی آن در آینده.

ب. آسیب‌های روانی

- از بین رفتن نشاط و روحیه در مدرسه و دانش‌آموزان،
- شکل‌گیری و افزایش اضطراب میان دانش‌آموزان، خانواده آنان و مدرسه،
- شکل‌گیری نوعی سرخوردگی و احساس گناه در قبول نشده‌ها، به دلیل احساس گناه در

هزینه‌هایی که خانواده در این زمینه متحمل شده است و تبعات آن،
- اضطراب، استرس، ترس، آسیب‌های شخصیتی گوناگون، هیجانی، شناختی و انواع دیگر
ناراحتی‌های روانی، به دلیل این تصور که سرنوشت و آینده جوان در این مسابقه روشن می‌شود،
- ترس و نگرانی از آینده در صورت عدم پذیرش تا جایی که گاه فرد از حالت عادی خارج
شده و دست به اقداماتی چون خودکشی می‌زند،
- شکل‌گیری اضطراب و انواع فشارهای عصبی حتی در حین تحصیل برای دانش‌آموزان،
- ایجاد نگرانی‌های بلندمدت در خانواده برای آینده فرزند حتی از سنین قبل از دبستان،
- تأثیرات منفی عوامل فوق بر رویکردهای اجتماعی،
- مبنا قرار گرفتن قبولی حتی در رشته غیر موردعلاقه و تبعات منفی روانی آن بر فرد تا
پایان عمر،
- از دست دادن اعتماد به نفس، ایجاد افسردگی، شکل‌گیری انواع بیماری‌های روانی تا حد
خودکشی، روحیه پرخاشگری، اضطراب، انزوا، ترس از حضور در اجتماع، احساس حقارت در
میان هم‌نوعان، لاغری، سردرد و دیگر تبعات منفی روانی، در بخش عمده‌ای از جوانان و
آینده‌سازان کشور تا جایی که طبق تحقیقات انجام شده، بزرگ‌ترین عامل افسردگی در
جوانان، معضل کنکور بوده است،
- کاهش کارایی افراد به دلیل تبعات منفی روانی ناشی از کنکور در میان قبول‌شدگان،
- ارزیابی تفاوت‌هایی که امروز در جهان مورد انتقاد قرار گرفته است به عنوان مبنای پذیرش،
- شکل‌گیری عملکرد فرد به صورت کلیشه‌ای و براساس میل جامعه برای ورود به دانشگاه و
نامیدی، یأس و دلزدگی پس از ورود به دانشگاه، به دلیل دریافتن این نکته که مهارت‌ها و
توانایی‌های وی درست ارزیابی نشده است،
- تربیت افراد تک‌بُعدی در دانش‌آموزان،
- ترس و اضطراب از این‌که تمام سرنوشت و آینده وی در امتحان سه ساعته تعیین خواهد
شد و تبعات آن.

ج. آسیب‌های آموزشی

- به حاشیه رانده شدن آموزش‌های مدرسه‌ای به‌ویژه آموزش دوره متوسطه،
- تأثیر منفی بر برنامه‌ریزی‌های درسی و آموزشی و تحت‌الشعاع قرار گرفتن آن‌ها به‌وسیله
کنکور،

- از بین رفتن یادگیری برای یادگیری و جنبه‌های مفید ناشی از آن در مدارس،
- تحت تأثیر قرار گرفتن محتوای دروس و روش یاددهی و نیز یادگیری، به‌خاطر کنکور،
- ناکارآمدی آموزش مدرسه‌ای، به‌دلیل کنار گذاشته شدن آموزش و پرورش از فرایند سنجش و گزینش دانشجو،
- رشد نظام آموزش‌های غیررسمی به‌جای آموزش‌های رسمی مدرسه‌ای به‌دلیل «در خدمت کنکور» بودن همه چیز،
- تأکید بر محفوظات به‌جای یادگیری‌های اساسی و ریشه‌ای،
- تبدیل شدن دانشگاه‌ها به دبیرستان‌های بزرگ به‌دلیل ویژگی‌های ورودهای آن‌ها،
- شکل‌گیری تحصیلات عالی به‌عنوان مهم‌ترین و گاه تنها عامل برای کسب شغل و جایگاه اجتماعی مناسب،
- از بین رفتن روحیه خلاقیت و نوآوری به‌دلیل شیوه پذیرش دانشجو و بی‌انگیزگی نظام آموزش و پرورش در تربیت این نیروها،
- عدم مشارکت دانشگاه‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین عامل پذیرش دانشجو در مورد ورودی‌های خود،
- تعیین سرنوشت و آینده فرد در یک آزمون سه ساعته،
- بی‌توجهی دانش‌آموزان به آموزش‌های رسمی، یادگیری عمقی، روش‌های حل مسأله و ... ،
- بی‌انگیزه شدن آموزگاران و دبیران به ارائه آموزش‌های اصولی،
- تلاش و رقابت مدارس برای تربیت افرادی که روش تست‌زنی را بهتر بدانند،
- افت تحصیلی دانش‌آموزان به‌دلیل صرف اکثر اوقات مفید خود در کلاس‌های کنکور،
- گرایش آموزش‌ها به‌سمت آموزش‌های نظری و عدم توان پاسخگویی به نیازهای عملی و کاربردی جامعه به‌دلیل محروم شدن اجتماع از داشتن نیروهای کارآفرین و نوآور و افزایش بیش‌تر در مشکلات اشتغال جوانان،
- دادن سهمیه‌های خاص به نخبگان و برندگان جوایز علمی یا المپیادها به‌دلیل امکان ضعیف قبولی آنان در کنکور به‌خاطر شیوه جاری آن،
- افزایش مهاجرت یا فرار مغزها،
- تبعات منفی ناشی از روش تست چهار گزینه‌ای،
- انتخاب رشته‌های غیرصحيح و غیراصولی به‌خاطر قبولی در کنکور و تبعات منفی آموزشی آن، از جمله ترک تحصیل‌ها، اخراج‌ها، بیماری‌های مختلف، افت تحصیلی و پیامدهای منفی

آن به‌ویژه هدر رفتن سرمایه‌گذاری‌های انجام شده اقتصادی از این نظر،
- عدم توانایی شیوه فعلی کنکور در سنجش و ارزیابی یادگیری‌های مربوط به رشد فردی،
اجتماعی، عاطفی که می‌تواند دانش‌آموز را برای زندگی شهروندی مناسب آماده کند،
- بی‌ارزش یا کم‌ارزش شدن دروس دوره پیش‌دانشگاهی به‌گونه‌ای که دانش‌آموز تمایل به
مطالعه غیرحضور در دوره را داشته تا سریعاً با تکنیک‌های تست‌زنی آشنا شود،
- از بین رفتن اعتبار و ارزش آموزگاران و دبیران واقعی به‌دلیل شیوه جاری،
- در خدمت کنکور قرار گرفتن همه عوامل از جمله دانش‌آموزان، خانواده آنان، مدارس و
معلمان و ... ،
- عدم توجه و کم‌بها دانستن سابقه تحصیلات ۱۲ ساله دانش‌آموز و توانایی‌های اثربخش آن
در مقابل یک امتحان سه ساعته همراه با شرایط بحرانی و اضطراب‌آور،
- فدا شدن روحیه عمق‌نگری، روحیه تحقیق، کار گروهی، نوآوری‌های آموزشی، خلاقیت‌ها و
کارآفرینی‌ها در مقابل روش تست‌زنی.

د. آسیب‌های فنی - روشی

- ادامه تحصیل در رشته‌های غیرموردعلاقه به‌دلیل پیچیده بودن شیوه انتخاب رشته و
قبولی به‌عنوان اولین هدف،
- عدم توجه دانش‌آموزان به‌ویژه در مقطع پیش‌دانشگاهی به چارها، چگونگی‌ها، کاربردها،
اثبات قضا و در مقابل، تمایل و پیگیری در یادگیری قواعد تست‌زنی،
- توجه دانش‌آموز به سؤالاتی که در سال‌های قبل مورد تأکید قرار گرفته و عدم توجه به
دیگر موارد یادگیری و به‌ویژه به مباحثی که سازمان سنجش حذف کرده است، به‌دلیل
کلیشه‌ای بودن سؤالات کنکور تا جایی که مطالب حذف شده از سؤالات کنکور، از برنامه
درسی مدارس نیز حذف می‌شود،
- وجود نظام‌های مختلف سهمیه‌بندی که علاوه بر تضاد با عدالت آموزشی و قانون اساسی،
تبعات منفی بسیاری را ایجاد کرده است،
- وجود پیچیدگی و ابهامات فراوان در دفترچه‌های کنکور به‌گونه‌ای که دانش‌آموز را دچار
سردرگمی می‌کند،
- افزایش دلهره، ترس و اضطراب در دانش‌آموز به‌دلیل ضرورت مطالعه حجم سنگین مطالب
دفترچه‌های کنکور در شرایط اضطرابی و دلهره‌آور،

- مناسب نبودن روش جاری به‌ویژه تست چهارگزینه‌ای برای سنجش سطح معلومات، یادگیری و استعداد دانش‌آموزان،
- فراموش شدن سریع مطالب مطالعه شده به‌دلیل تأکید روش فعلی بر محفوظات،
- شکل‌گیری و رشد قارچ‌گونه کلاس‌های کنکور به‌دلیل اجرای روش فعلی،
- استاندارد نبودن سؤالات کنکور براساس قواعد علمی و از این‌رو عدم اعتماد به نتایج اعلام شده کنکور به‌عنوان ارزیابی صحیح و دقیق داوطلبان،
- منسوخ شدن روش تست چهارگزینه‌ای در بیش‌تر کشورهای جهان،
- کم‌توجهی یا بی‌توجهی دانش‌آموزان به دروسی که در کنکور نقش نداشته یا نقش آن کم است و صرف‌نظر کردن از نمرات آن سؤالات،
- عدم توانایی روش فعلی در گزینش بهترین‌ها،
- مبنا قرار گرفتن سؤالات کنکور بر اصل رقابت و نه یادگیری دانش‌آموز،
- کاهش ارزش و اعتبار معلمانی که به‌صورت تشریحی و علمی تدریس می‌کنند و برتری معلمانی که روش تست‌زنی را آموزش می‌دهند،
- از بین رفتن سرمایه‌ها، انرژی‌ها و زمان به‌دلیل روش فعلی،
- بدون استفاده ماندن آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌های موجود در مدارس که می‌توانند نقش چشمگیری در یادگیری عمقی دانش‌آموزان داشته باشند.

ه. آسیب‌های اقتصادی

- تحمل هزینه‌های چشمگیر به اقتصاد خانواده به‌دلیل شرکت در کلاس‌های کنکور و سایر هزینه‌های جانبی از جمله خرید انواع کتاب‌های مختلف تست و ... ،
- رشد شتابان مؤسسات آموزش غیررسمی، تدریس‌کنندگان خصوصی، نویسندگان کتاب‌های تست‌زنی، ناشران، مدارس غیرانتفاعی،
- تحمیل هزینه‌های فرصت به شکل اتلاف وقت و انرژی برای بخش عظیمی از نیروهای فعال جامعه،
- کاهش بهره‌وری اقتصادی دانش‌آموختگان دانشگاهی به‌دلیل عدم گزینش صحیح ورودی‌ها،
- صرف بودجه‌های سنگین دولتی و غیردولتی برای داوطلبانی که پذیرفته نمی‌شوند،
- هدر رفتن سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در بخش آموزش و پرورش و کاهش اثربخشی آموزش عمومی کشور،

- کاهش کارایی داخلی نظام آموزش عالی به دلیل ترک تحصیل‌ها، اخراج‌ها و ... ،
- به انحراف رفتن منابع انسانی و مالی،
- عدم بهره‌گیری صحیح و مفید از جوانان به‌عنوان سرمایه‌های عظیم کشور در رشد و توسعه اقتصادی،
- تحت تأثیر قرار گرفتن معضل اشتغال جوانان به دلیل روش فعلی کنکور،
- شکل‌گیری برخی ناهنجاری‌های اجتماعی و قانونی از جمله فروش سؤالات و حتی شائبه فروش رتبه قبولی به دانش‌آموزان،
- پذیرش دانشجو در رشته‌هایی که از نظر اشتغال، زمینه مناسبی ندارد، به دلیل افزایش ظرفیت پذیرش از هر طریق،
- افزایش خیل بیکاران و اشتغال در مشاغل غیرتخصصی دانش‌آموختگان با توجه به بند فوق،
- تبدیل مدارس به بنگاه‌های اقتصادی و آموزگاران به افرادی که فقط قوانین روز بازار را می‌شناسند.

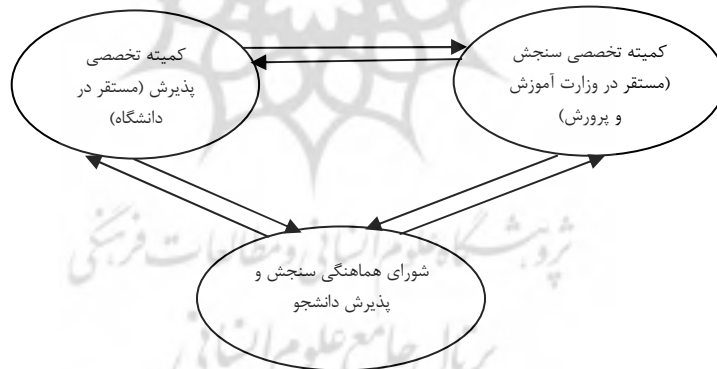
با توجه به مشکلات و آسیب‌های موجود در نظام فعلی پذیرش دانشجو و با در نظرگیری بنیادهای نظری که در ابتدای مقاله به آن اشاره شد و نیز با استفاده از تجربه‌های دیگر کشورها که در بخش بررسی تطبیقی به آن پرداخته شد، الگویی پیشنهاد می‌شود که براساس آن با اصلاح نظام پذیرش دانشجو، حداکثر پاسخ‌گویی به تقاضای اجتماعی را به‌دنبال دارد.

الگوی نظام پذیرش دانشجو

این الگو که نتیجه مطالعات پیمایشی و کتابخانه‌ای و بحث و بررسی در کار گروه‌های تخصصی و تشکیل جلسات متعدد کارشناسی با حضور محققان و صاحب‌نظران رشته‌های مربوط بوده که با تأکید بر محورهای ذیل تدوین شده است:

۱. جداسازی فرایند سنجش از پذیرش دانشجو،
۲. مبنا قرار دادن نمرات دروس اختصاصی و دروس عمومی دانش‌آموزان دوره متوسطه در پذیرش دانشجو،
۳. در نظر گرفتن زمینه‌های خلاقیت، کارآفرینی، ابداع و کارهای علمی دانش‌آموزان،
۴. استفاده از آزمون‌های تشریحی در سنجش،
۵. توجه به نقش و جایگاه واقعی نظام آموزش و پرورش و نیز نظام آموزش عالی در سنجش و پذیرش دانشجو،

۶. توجه به عملکرد سازمان سنجش به عنوان حلقه ارتباطی میان دو نظام فوق و نه به عنوان اصلی ترین عامل،
۷. پیش بینی و ایجاد نظام خودکنترلی در الگوی پیشنهادی برای اصلاحات ضروری بر اثر تغییرات زمانی و مکانی،
۸. کاهش زمینه های تحصیلی مهاجرت به کلان شهرها و بهره گیری از نیروی متخصص بومی در محل زندگی خود،
۹. کاهش تدریجی متقاضیان ورود به دانشگاه ها با سازوکار جذب دانش آموزان در رشته های فنی و حرفه ای،
۱۰. شناسایی و پرورش استعدادها با رویکرد عدالت،
۱۱. استقلال دانشگاه ها در پذیرش دانشجو.
- با توجه به موارد فوق، اجزای این الگو با جهت گیری اصلاح نظام پذیرش دانشجو و کاهش متقاضیان ورود به دانشگاه ها به شرح ذیل پیشنهاد می شود:
۱. به منظور سازماندهی، هماهنگی و اجرای فرایند سنجش و پذیرش دانشجو (در دانشگاه های دولتی و غیردولتی)، کمیته هایی با عنوان کمیته پذیرش، کمیته سنجش و شورایی به نام شورای هماهنگی به شرح نمودار ۱ تشکیل می شود. وظایف، مأموریت ها و ترکیب اعضای هر یک از کمیته ها و شورای فوق در مواد بعدی تعیین خواهد شد.



نمودار ۱. مراجع تصمیم گیری در فرایند سنجش و پذیرش دانشجو

۲. وظیفه کمیته سنجش؛ تدوین، هماهنگی، نظارت، تهیه و اصلاح آیین نامه ها، بهبود و بررسی روش های سنجش و اجرای مفاد مندرج در این طرح در حیطه امور مربوط و نیز انطباق

مراحل مختلف طرح در سه سال اول با امکانات وزارت آموزش و پرورش و شرایط دانش‌آموزان است که با ترکیب یازده نفره تشکیل و در وزارت مذکور مستقر خواهد شد.

- معاونت آموزش نظری و مهارتی وزارت آموزش و پرورش (رئیس کمیته)،
- رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی،
- دو نفر از کارشناسان سنجش و ارزشیابی آموزشی به انتخاب معاونت ذی‌ربط،
- دو نفر از کارشناسان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به انتخاب آن سازمان،
- دو نفر از دبیران به انتخاب انجمن‌های علمی وزارت آموزش و پرورش،
- یک نفر از کارشناسان آموزشی دانشگاه‌های کشور (اعم از دولتی یا غیردولتی) به انتخاب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری،

- یک نفر از کارشناسان آموزشی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور (اعم از دولتی یا غیردولتی) به انتخاب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی،

- یک نفر از کارشناسان سازمان سنجش آموزش کشور به انتخاب سازمان مذکور.

۳. نمرات دانش‌آموزان از دروس اصلی و تخصصی در آزمون‌های نهایی کشوری در سه سال آخر متوسطه (شامل دوره پیش‌دانشگاهی) از دیگر معیارهای پذیرش دانشجو خواهد بود. سهم هر یک از دروس در پایه‌های تحصیلی و سازوکار اجرایی آن به‌وسیله کمیته سنجش تعیین خواهد شد.

تبصره ۱. هر دانش‌آموز مجاز است در صورت تمایل به بهبود در دروس امتحان داده شده برای بار مجدد در امتحان دروس موردنظر، در سال یا سال‌های بعد، شرکت کند و در این صورت فقط نمره یا نمرات امتحان دوم مبنای سنجش قرار خواهد گرفت. هزینه‌های ناشی از اجرای امتحان مجدد برعهده دانش‌آموزان خواهد بود.

سازوکار اجرایی و شیوه‌های برگزاری امتحان مجدد را کمیته سنجش تعیین خواهد کرد.

تبصره ۲. در صورت عدم آمادگی وزارت آموزش و پرورش در برگزاری آزمون‌های نهایی کشوری، آزمون فوق با برنامه‌ریزی کمیته سنجش حداکثر در سه سال اول تصویب این قانون به تدریج به مرحله اجرا درمی‌آید.

۴. خلاقیت، نوآوری، کارآفرینی و مهارت‌های علمی و تجربی دانش‌آموزان، معیار دیگر پذیرش دانشجو است.

تبصره. روش‌های سنجش و محاسبه امتیاز آن، به‌وسیله کمیته سنجش، تعیین خواهد شد و در صورت لزوم براساس تغییرات زمانی به تناسب رشته‌ها اصلاح می‌شود.

۵. کمیته تخصصی پذیرش به منظور انجام وظایف تعیین شده در این طرح، تعیین معیارهای پذیرش دانشجو، نظارت و هماهنگی‌های لازم در امور مربوط، بررسی و تدوین آیین‌نامه‌های مربوط و پیشنهاد اصلاح آن‌ها، با ترکیب زیر در هر دانشگاه (اعم از دولتی و غیردولتی) تشکیل خواهد شد.

- معاون آموزشی دانشگاه (رئیس کمیته)،

- دو نفر از معاونان آموزشی دانشکده‌ها به انتخاب رئیس دانشگاه،

- یک نفر از اعضای هیأت علمی هر دانشکده به انتخاب دانشکده مربوط.

۶. جمع‌بندی و انجام هماهنگی‌های لازم درباره پیشنهادها واصله از دانشکده‌ها، تعیین ضرایب نمره هر درس تخصصی و عمومی، پیشنهاد سهم دروس تخصصی و سهم عامل خلاقیت‌ها، کارآفرینی و ... به تفکیک هریک از رشته‌های تحصیلی دانشگاهی با توجه به نیازها و ویژگی‌های هر رشته، به گونه‌ای که حداقل ۵۵ درصد به دروس تخصصی و بقیه به خلاقیت، مهارت، کارآفرینی، ابداع و کارهای علمی و نیز دروس عمومی اختصاص یابد، از وظایف کمیته پذیرش خواهد بود.

تبصره. تغییر در نسبت‌های فوق با توجه به شرایط زمانی و مکانی پس از هر دوره ثابت ۳ تا ۵ ساله بر عهده کمیته تخصصی پذیرش خواهد بود.

۷. وظایف سازمان سنجش آموزش کشور در نظام پذیرش دانشجو به شرح ذیل تعیین می‌شود.

الف. برگزاری آزمون کشوری از دروس عمومی دوره متوسطه شامل زبان خارجی، ادبیات فارسی، معارف اسلامی و عربی.

تبصره ۱. مفاد تبصره یک ماده (۳) در مورد آزمون کشوری دروس عمومی نیز نافذ است.

تبصره ۲. کسب حدنصاب لازم از دروس عمومی شرط ورود داوطلب به مرحله پذیرش خواهد بود.

ب. دریافت نمرات و امتیازات دانش‌آموزان در هریک از دروس تخصصی و خلاقیت، کارآفرینی، ابداع و مهارت‌های علمی و تجربی از وزارت آموزش و پرورش و نیز شرایط پذیرش دانشجو از دانشگاه‌ها و اعلام پذیرش قطعی و نهایی داوطلبان.

ج. صدور دفترچه‌هایی برای اطلاع و انتخاب رشته به وسیله داوطلبان.

د. صدور کارنامه‌ای حاوی ریز نمرات دانش‌آموزان در هر درس اصلی و تخصصی،

خلاقیت‌ها، نوآوری و ...، نمرات آزمون سراسری دروس عمومی به همراه تعیین وضعیت هر دانش‌آموز در هر یک از مواد و ارسال آن برای دانش‌آموز.

ه. دریافت درخواست هر داوطلب درباره رشته و دانشگاه مورد نظر، انطباق شرایط وی با شرایط رشته مورد نظر در دانشگاه مورد درخواست، اولویت‌بندی داوطلبان واجد شرایط هر رشته به تفکیک هر دانشگاه با توجه به شرایط تعیین شده و ارسال فهرستی حاوی نام، مشخصات و تمام ویژگی‌های مورد نظر دانشگاه درباره هر داوطلب به منظور پذیرش نهایی آنان. **تبصره.** تعداد معرفی‌شدگان و تعیین حداقل یا حدنصاب نمره آزمون دروس عمومی برای هر رشته، به وسیله کمیته تخصصی پذیرش خواهد بود.

۸. برای هماهنگی در اجرای سنجش و پذیرش دانشجو در چارچوب این طرح، شورایی با عنوان شورای هماهنگی پذیرش و سنجش دانشجو با ترکیب زیر و با رعایت چارچوب استقلال دانشگاه‌ها و آموزش و پرورش تشکیل خواهد شد.

- وزیر علوم، تحقیقات و فناوری (رئیس شورا)،

- وزیر آموزش و پرورش،

- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی،

- رئیس سازمان سنجش آموزش کشور،

- رئیس دانشگاه آزاد اسلامی،

- یک کارشناس از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به انتخاب آن وزارت،

- یک کارشناس از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به انتخاب آن وزارت،

- سه کارشناس از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی (اعم از دولتی و

غیردولتی) به انتخاب انجمن‌های علمی کشور،

- یک کارشناس از وزارت آموزش و پرورش به انتخاب آن وزارت،

- دو نفر از دبیران به انتخاب انجمن‌های علمی مرتبط معلمان.

۹. به منظور جلوگیری از مهاجرت داوطلبان و به تبع آن خانواده آنان به دیگر شهرها،

استفاده از نیروهای متخصص بومی در منطقه مقیم، ایجاد رقابت سالم کیفی میان

دانشگاه‌های مناطق مختلف کشور از یک طرف و مدارس مناطق مختلف کشور از طرف دیگر،

جلوگیری از تبعات منفی مهاجرت و نیز مزایای بومی و در کنار خانواده بودن دانشجویان،

جلوگیری از هزینه‌های سنگین مربوط به امور خوابگاه‌ها و مسائل ناشی از آن، ظرفیت‌ها و

سهامیه‌های بومی برای هر دانشگاه به گونه‌ای که بیش‌ترین پذیرش به داوطلبان بومی و در

درجه دوم به استان همجوار (هم مرز) و بقیه به سایر نقاط اختصاص یابد، در نظر گرفته می‌شود. تعیین دقیق درصدها و انجام تغییر در آن‌ها براساس تغییرات زمانی و مکانی، در کمیته تخصصی پذیرش پیشنهاد و در شورای هماهنگی مندرج در ماده (۸) تصویب می‌شود.

تبصره. دانشگاه‌های قطب از حکم این ماده مستثنی هستند.

۱۰. دانشگاه‌ها و کمیته‌های تخصصی آن‌ها مجازند نسبت به ایجاد، تعریف و برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت (حداکثر یکساله)، برای تأمین نیاز بازار کار در برابر اخذ هزینه‌های مربوط، برای اشخاص حقیقی و حقوقی، اقدام کرده و از میان متقاضیان آموزش عالی پذیرفته نشده، دانشجوی موقت، پذیرش کنند و به آنها گواهینامه‌های تخصصی - مهارتی دهند.

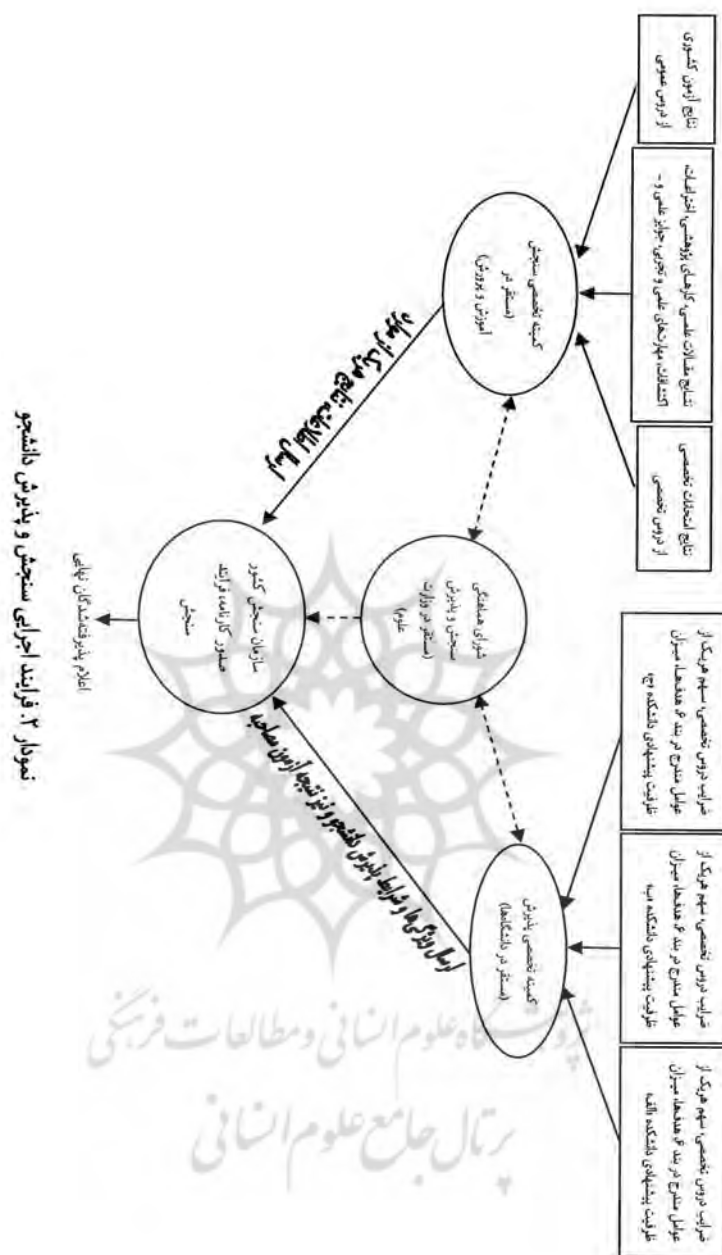
۱۱. دانشگاه‌ها و کمیته‌های تخصصی آن‌ها مجازند نسبت به ایجاد و برگزاری دوره‌های آموزش مجازی، دوره‌های شبانه و سایر دوره‌های مشابه مورد نیاز بازار کار، اقدام کرده و از میان داوطلبان، دانشجو پذیرش نمایند و به فارغ‌التحصیلان دوره‌های مذکور مدرک خاص با ذکر نوع دوره اعطا کنند.

تبصره. دانشگاه‌های قطب از حکم این ماده مستثنا هستند.

۱۲. به منظور کاهش تقاضای آموزش عالی، وزارت آموزش و پرورش و علوم، تحقیقات و فناوری موظفند علاوه بر بخش دولتی، با فراهم کردن تسهیلات برای بخش خصوصی دوره‌های پیوسته‌کاردانی در رشته‌های عملی و کاربردی را توسعه دهند. آیین‌نامه اجرایی این ماده به وسیله وزارت مربوط تهیه و به تصویب هیأت دولت خواهد رسید.

۱۳. آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی در هر زمینه و در چارچوب طرح فوق و نیز انطباق دانش‌آموزان سال‌های مختلف با آن به‌ویژه در سه سال اول طرح، حداکثر ۶ ماه از تاریخ تصویب این طرح، به وسیله وزارت مربوط تدوین و برای تصویب نهایی به کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس تقدیم خواهد شد که پس از تصویب کمیسیون مذکور، لازم‌الاجراست. به گونه‌ای که این طرح حداکثر از ابتدای سال ۱۳۸۷ به‌طور کامل جایگزین روش فعلی کنکور شود.

فرایند اجرایی سنجش و پذیرش دانشجو براساس الگوی فوق به شرح نمودار ۲ است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ

۱. «گزارش طرح پیشنهادی نظام پذیرش دانشجو»، دفتر مطالعات فرهنگی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴، صفحه ۲.
۲. «سالنامه‌های دانشگاه تهران»، دانشگاه تهران، سال‌های مختلف.
۳. «مراحل تحول گزینش دانشجو در ایران»، نشریه/اندیشه جامعه، شماره ۶.
۴. قلی‌پور، رحمت‌الله. آقابزرگی، ملکه. «گزارش بررسی پیش‌نویس لایحه گزینش دانشجو»، دفتر مطالعات فرهنگی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اسفند ماه ۱۳۸۲.
۵. نیک‌نژاد، عبدالحسین. «پذیرش دانشجو در جهان»، نشریه راه دانشگاه، شماره ۱۸.
۶. حج فروش، احمد. «بررسی آسیب‌های کنکور بر برنامه‌های درسی دوره‌های متوسطه و پیش‌دانشگاهی و ارائه روش مناسب برای رفع آسیب‌ها».
۷. طالقانی، محمود. «بررسی آثار انتخاب دانشجویان بومی در افزایش نیروهای متخصص مناطق محروم»، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۴.
۸. نورشاهی، نسرين. «تحولات نظام گزینش دانشجو برای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی ایران با تأکید بر تحولات بین سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۷۶»، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران.
۹. سازمان سنجش آموزش کشور، «فعالیت‌ها و اقدامات سازمان سنجش کشور»، تهران، مرداد ۱۳۵۶.
۱۰. مجتهدی، زهرا. «بررسی رابطه بین شیوه فعلی گزینش دانشجو و موفقیت در دانشگاه»، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، ۱۳۷۲، صفحه ۶۸.
۱۱. بولتن‌ها، بروشورهای سفارتخانه‌های مختلف.
12. Ahn Brownlee, "Associates Strategies for Involving Universities and Research Institutes in Health Systems Research", Vol. 3, WHO, (1992), p. 1.
13. "Accessing Employee Satisfaction in Service Firms: An Example in Higher Education"; Clare L Comm, *The Journal of Business and Economic Studies*, Fairfield: Spring 2000; Vol.6, 155.1.
14. Greeting a New Vission for Universities to Meet Chapter 4 toward

Further University Reform, The Tokyo Institute of Technology's Centennial Memorial Hall. Section 1. Reorienting a New Vision for Universities to Meet the Needs of an Increasingly Diverse Student Body.

15. Feigenbaum, A.V; "Quality Education and America's Competitiveness" Quality Progress 27 (9), 1994.
16. Freeman, R' Gualit; *Assurance in Training and Education*: London, Kogan Page, 1993.
17. Harbison, H. Fredrick, *Human Resources as the Wealth of Nations*, Oxford Aniversity Press, 1973.
18. Samuel L. Dunn; "Fuel for the Future" *U.S.A. Today*, Issue: Jan 2001.

